یادداشت

«امکان زندگی» در بوم‌سازگان ایران

ساغر شمسی

در برهه‌ای از زمان و در تاریخی از میهن عزیزمان به سر می‌بریم که تغییرات اقلیمی و کم‌بارشی و مشکلات فرامرزی کشورهای همسایه در این زمینه، اتفاقات ناگواری را برای محیط زیست کشور رقم زده است. با این حال مدیریت شکننده و بی‌عملی به قوانین نیز به این مشکلات دامن زده است و به روشنی دیده می‌شود که تمدن چندین هزار ساله ایران که در بستر مادر طبیعت و به لطف وجود محیط‌زیستی غنی و مردمان هوشمند شکل گرفته، چطور در معرض نابودی قرار دارد. مردمانی که از گذشته‌های دور برای حفظ بقا در حاشیه رودخانه‌ها زندگی خود را سامان می‌دادند و در برخی از مناطق خشک با اقدام به حفر قنات، سیستم‌های جمع‌آوری هوشمندانه سیلاب برای بهره‌وری حداکثری از اکوسیستم و هزاران مورد مشابه برای استفاده‌های گوناگون از محیط زیست خود را اختراع کردند، در این سرزمین حیات خود را حفظ کرده بودند. به نظر می‌رسد که علیرغم آنچه از اکوسیستم کشور خود می‌دانیم در مدیریت کلان منابع به شدت دچار اشتباه شده‌ایم و افزایش آمارها شامل مهاجرت‌های اقلیمی، خشکسالی‌های متوالی، اتلاف سرمایه‌های آبی، کاهش آب‌های زیرزمینی و فرونشست‌هایی که منجر به آسیب‌های دائمی به شهرها و آثار باستانی شده‌اند، به وضوح گواه این موضوع است. در حاشیه این حقایق، بررسی یک مفهوم ضروری به نظر می‌رسد، مفهومی تلخ و خشونت‌آمیز به نام اکوساید (بوم‌کشی). مفهوم اکوساید در واکنش به جنگ اکولوژیکی ویتنام و به واسطه یک شبیه‌سازی حقوقی توسط آرتور ویلیام گالستون ابداع شد. همان‌طور که نابودسازی انسان‌ها جنایتی علیه بشریت و تحت عنوان «ژئوساید» جرم‌انگاری شده است، باید اکوساید یا بوم‌کشی نیز جرم تلقی شود. اگرچه در ایران وضعیت کنونی محیط زیست (صرف‌نظر از عوارض جنگ تحمیلی) تحت تأثیر جنگی شبیه جنگ ویتنام به وجود نیامده اما بی‌توجهی به اصل پنجاهم قانون اساسی نیز ضربات اساسی بر مادر طبیعت کشور زده است. بی‌توجهی به اصول قانونی در همه موارد یک جرم است و کسانی که به تعهدات خود برای عمل به قانون اساسی اهمال‌کاری می‌کنند باید مجرم تلقی شوند. عمل‌نکردن در اغلب موارد و بی‌توجهی به اصل پنجاهم قانون اساسی (با تأکید فراوان بر مهم‌بودن این قانون) بوم‌سازگان کشور را در معرض بی‌عدالتی و بازی نابرابر برای کسب بیشترین منابع بدون احساس مسئولیت قرار داده است. قاعده بازی برای بهره‌وری و زندگی در این بوم‌سازگان چیزی نیست که اکنون شاهد آن هستیم. چلاندن محیط زیست بدون در نظر گرفتن قانون و نظرات کارشناسان مربوطه جلوی خلق امکانات تازه را برای محیط زیست می‌گیرد و نتیجه مستقیما مردم ساکن در این سرزمین و تمدن چند هزار ساله را نشانه خواهد گرفت. «امکان زندگی» در محیط زیست اصلی‌ترین خواسته موجودات زنده و بالاخص انسان است و در نبود این امکان شاهد مرگ محیط زیست و تهی‌شدن آن از حیات خواهیم بود. متأسفانه ناتوانی اقتصادی نیز از عوارض مستقیم ضعف مدیریت محیط زیست است زیرا هر آنچه تحت عنوان ثروت ملی نام می‌بریم و با تکیه بر آن معیشت مردم تأمین می‌شود در معرض خطر نابودی غیر قابل جبران است و به مرور می‌تواند این چرخه ضعیف و مضر را بزرگ‌تر و جدی‌تر کند و ادامه روند بوم‌کشی را در پی داشته باشد. اگر مسئولین قائل به حاکمیت قانون در جامعه هستند و اجرای عدالت را منوط به عمل به قانون می‌دانند قطعا اصل پنجاهم قانون نیز از این قاعده مستثنا نیست و این قانون نیز خواستار اجرای عدالت برای بوم‌سازگان کشور است و عمل به آن باید لازم‌الاجرا و ضروری تلقی شود. بی‌عدالتی در این خصوص زندگی نسل کنونی و نسل‌های بعد را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و فرصت بازسازی و جبران را از منابع طبیعی سرزمینمان خواهد گرفت. خشونت بر علیه بوم‌سازگان سرزمین به هر نحو باید محکوم و از طریق مجاری حقوقی قابل پیگیری باشد در ادامه جلوگیری از تضییع حقوق بوم‌سازگان و قطع زنجیره خشونت بر علیه محیط زیست آموزش مدیران در سطح تصمیم‌گیری‌های کلان و خروج ایشان از پارادایم‌هایی که تبدیل به عادت شده‌اند، بسیار ضروری است. چسبندگی افکار مدیران به تک‌بعدی بودن توسعه اقتصادی به تدریج بوم‌سازگان کشور را به مرگ نزدیک‌تر خواهد کرد. ترک الگووارهها و تطبیق آموزش‌ها مبتنی بر واقعیت‌های نامتوازن که موجب گسست و مشکلات بسیاری برای محیط زیست شده‌اند، ابتدایی‌ترین قدم برای ترمیم این وضعیت است. بازبودن عرصه برای کارشناسی مشکلات و یافتن راه‌حل‌های جدید برای مدیرانی که خواستار احیای محیط زیست هستند، گام‌هایی است که به ادامه «امکان زندگی» در میهن کمک‌های بسیاری خواهد کرد. همچنین بهره‌گرفتن از افکار عمومی (مطالعه ساختار زندگی مردم بومی هر استان و چگونگی تطبیق زندگی مردم با امکانات زیستی همان منطقه) و تشکل‌های مردم‌نهاد و نهادهای دانشجویی (در قالب طرح‌های پژوهشی ارزشمند و بهره‌گیری از نتایج) می‌تواند منتج به یافتن راه‌حل‌هایی برای بیشترکردن «امکان زندگی» در ایران عزیزمان باشد. به عقیده نگارنده مدیریت محیط زیست کشور باید از حالت چندقطبی بودن بیرون آمده و در طیفی همسو و هم‌جهت با ارزیابی «امکانات زیستی و ظرفیت‌های مشخص‌شده» مدیریت جدیدی را شکل دهد.

عکس: عباس محمدی، مهر

تکه‌ای از یک روایت

یک نیمه روز با تو

نسترن فرخه

هر لحظه که نگاهش می‌کنیم، با لبخند بزرگی به صورت‌های ما خیره می‌شود. مقنعه آبی کم‌رنگی به سر دارد و روپوش چروکش را بر تنش مرتب می‌کند. با بی‌قراری روی صندلی‌های گوشه سالن می‌نشیند و بعد از چند ثانیه بلند می‌شود. هرازگاه، آهسته به در دفتر مربی‌ها نزدیک می‌شود و دوباره چند قدم به عقب برمی‌گردد. یکی از مربی‌ها وارد اتاق می‌شود و از هیجان او می‌گوید «ببینید چقدر هیجان دارد. تصور می‌کرده کلاس‌های تابستانی از امروز شروع می‌شود و با چه ذوقی کوله‌پشتی‌اش را پر کرده و خودش را به خانه کودک رسانده...».

حالا یکی از مربی‌ها کنارش می‌نشیند و توضیح می‌دهند یک هفته همه چیز عقب افتاده و کلاس‌ها از چند روز دیگر شروع خواهد شد. هیجانش کم می‌شود ولی باز هم به چهره همه ما لبخند می‌زند. کنارش می‌روم تا نامش را بدانم؛ «معصومه هستم». خودش را با روی خوش معرفی می‌کند. همه این دختربچه را می‌شناسند و برای همین نامش را فقط به من معرفی می‌کند. یک جمله می‌گویم و از همان‌جا گفت‌وگوی بین ما دو نفر شروع می‌شود، گفت‌وگویی که مملو از رازهای پنهانی از رنج کودکانه در خود جای داده است. «معصومه به گمانم خیلی مدرسه را دوست داری...» با لبخندی که دندان‌های خرگوشی‌اش را نمایان می‌کند، جواب می‌دهد «خیلی، دوست دارم همیشه اینجا باشم چون از خانه بهتر است... اینجا دوستانم هستند و با هم بازی می‌کنیم. من دیگر کار نمی‌کنم و خانه هم نیستم. اینجا خیلی خوش می‌گذرد...». همان موقع صدای مربی‌های دیگر نزدیک می‌شود. جلو می‌آیند تا درباره برنامه‌های هفته بعد چیزی به معصومه بگویند و من از جمع‌شان فاصله می‌گیرم. به اتاق مدیریت این انجمن بازمی‌گردم؛ برایم توضیح می‌دهند که خواهر و برادرهای قد و نیم‌قدش همه کار می‌کنند. یکی ضایعات جمع می‌کند و دیگری دست‌فروشی می‌کند. خودش هم در یکی از محلات اطراف این روستاهای خاوران جوراب می‌فروشد.

خستگی‌های پنهان

آفتاب تیز ظهر، چشمان همه ما را جمع می‌کند، معصومه کوله‌اش را محکم در بغل می‌گیرد و به سمت ما می‌آید تا همسفر ما در این گشت‌وگذار باشد. موهای بلندش از مقنعه بیرون زده و در رقص این باد گرم، به طلایی می‌زند. داخل ماشین لم می‌دهد و با صدای نازکش برای ما از برنامه هر روزش تعریف می‌کند. قرار است ما را به روستایی ببرد که همیشه آنجا بساطش را پهن می‌کند. وارد این منطقه که می‌شویم، آبادتر از دیگر مناطق این دوروبر به نظر می‌رسد.

معصومه با ذوق به کوچه‌پس‌کوچه‌های این منطقه خیره می‌شود تا همه‌جا حتی محلی را که دست‌فروشی می‌کند، به ما معرفی کند. از زمین فوتبال وسط محل تا خیابان و کوچه‌هایی که جلوی هرکدام باغچه‌های بزرگی تعبیه شده. اما خودش هم اینجا را درست بلد نیست و در پیچ این جاده‌ها چند دقیقه‌ای گم می‌شویم.

حالا چاره‌ای نیست و سر ظهر باید دوباره به خانه کودک پویش بازگردیم. معصومه هنوز هم چشم چشم می‌کند تا شاید نشانی جایی را که دست‌فروشی می‌کند، پیدا کند و به ما نشان دهد. ولی چیزی پیدا نمی‌کنیم و کم‌کم راهی خانه کودک می‌شویم. هیجانش کمتر شده و از روزمره‌های معمولش می‌گوید «من همیشه خودم تنها به خانه کودک می‌آیم و برمی‌گردم. بعد از اینجا هم که دیگر عصر شده، هر روز به همان روستا می‌روم تا جوراب بفروشم. برادرم هم همان اطراف آدامس می‌فروشد. البته نمی‌دانم چرا چند روزی است که اصلا فروش نداشتم، مثلا پریشب ۴۰ هزار تومان فروختم که فقط ۵۱ هزار تومان پول اسنپم شد تا به خانه برگردم. البته بیشتر وقت‌ها خودم پول اسنپ را نمی‌دهم. آنجا یک داروخانه هست که دکترهای مهربانی دارد. بیشتر وقت‌ها یکی از خانم دکترهای آنجا برای من اسنپ می‌گیرد... البته یک شب‌هایی هم خوب می‌فروشم. ولی وقتی به خانه می‌روم، کل پول را به پدرم می‌دهم. نه‌فقط من، همه خواهر و برادرهایم مثل من هستند...».

جاده‌های بیابانی این منطقه گیاه چندانی به خود نمی‌بیند و همین گرمای این منطقه را در پایین‌ترین بخش شهری بیشتر می‌کند. معصومه در بین حرف‌هایش چند جمله دیگر را هم اضافه می‌کند «خانم می‌دانید، بابای ما خیلی وقت هست که دیگر کار نمی‌کند. مشکل قلبی دارند. معمولا من بعدازظهر تا شب کار می‌کنم. به خواهرم می‌گفتم دوست ندارم کار کنم و خسته می‌شوم، می‌گفت خوب همین زمان را باید در خانه بمانی، به جایش می‌روی آنجا می‌نشینی و هم کار می‌کنی و هم پول درمی‌آوری. من هم گفتم آره درسته... خلاصه تا وقتی هوا تاریک شود من همین‌جا هستم... مثلا تا ساعت ۹ هستم و بعد اسنپ می‌گیرم و برمی‌گردم خانه، گاهی خواهرم همراهم است. خانم ولی بعضی از این راننده‌ها خیلی بداخلاق هستند، تا سوار می‌شوم زور می‌گویند. مثلا می‌گویند حرف نزن، سروصدا نکن، شیشه را پایین نده، انگار ما مجسمه هستیم. یک بار هم یکی از آنها وسط راه گفت ماشین خراب شده و من باید پیاده شوم، من که قبول نکردم. ترسیده بودم و گفتم شما مسیر من را قبول کردید و باید من را تا دم خانه برسانید. این چیزها را پدرم یاد داده تا مراقب خودمان باشیم...».

کم‌کم جلوی درِ خانه کودک می‌رسیم. معصومه با ما خداحافظی گرمی می‌کند و وارد حیاط خانه کودکَ می‌شود. امروز هم باید مشابه تمام روزهای گرم و سرد سال جعبه جوراب‌ها را در بغل بگیرد و راهی محله‌ای شود که حتی خیابان‌های آن را هم به‌درستی یاد نگرفته تا دست‌فروشی کند.

خانه‌ای امن

شاید کار کودک، در میان هزاران آسیب اجتماعی، کم‌رنگ‌تر به نظر برسد. اما روایت رنج تک‌تک این کودکان شاید عمق این درد را برملا کند. انجمن دوستداران کودک پویش یکی از مکان‌های امن برای این کودکان است. بچه‌هایی که گویی زاده شدند تا در همان اندک سن خود نقش بزرگسال‌های خسته را ایفا کنند. مانند معصومه که به دنبال راهی برای کودکی‌کردن است ولی چاره‌ای جز دست‌فروشی ندارد. هر روز به امید چند ساعت بازی‌کردن راهی انجمن پویش می‌شود و بعد از آن دوباره با بساط جوراب‌هایش راهی دست‌فروشی می‌شود. برای روایت رنج‌های این کودکان باید شنونده‌های توانایی بود تا به‌خوبی خستگی جسمی و روحی این کودکان را درک کرد. کودکانی که حسرت یک روز بازی‌کردن آن‌هم بدون حس مسئولیت، تا همیشه در قلب‌شان خواهد ماند.

خبر

برگزاری آزمون ورودی و اخذ وجه در مدارس هیئت‌امنایی «ممنوع»

ایسنا: مدیرکل شوراهای آموزش و پرورش با بیان اینکه برگزاری آزمون ورودی و اخذ وجه در مدارس هیئت‌امنایی غیرقانونی و ممنوع است، گفت: هر مدرسه‌ای که برای جذب دانش‌آموز در این مدارس آزمون بگیرد، کاملا تخلف کرده است. هادی عابدی با بیان اینکه برگزاری آزمون ورودی و اخذ وجه در مدارس هیئت‌امنایی ممنوع است، گفت: هیچ تأییدیه‌ای بابت گرفتن آزمون در مدارس هیئت‌امنایی به هیچ مدرسه‌ای برای دانش‌آموزان در محدوده جغرافیایی مدرسه قائل نیستیم. وی با بیان اینکه هیچ نامه‌ای بابت این کار به مدارس ارسال نشده است، افزود: هر مدرسه‌ای برای جذب دانش‌آموز در مدرسه هیئت‌امنایی آزمون بگیرد کاملا تخلف کرده است. مدیرکل شوراهای آموزش و پرورش به کلاس‌های فوق برنامه‌ای که در این مدارس برگزار می‌شود نیز اشاره کرد و ادامه داد: براساس آیین‌نامه مدیریت مدارس به شیوه هیئت‌امنایی، کلاس‌های فوق برنامه کاملا اختیاری است و اگر دانش‌آموزی در این کلاس‌ها شرکت می‌کند هزینه آن را باید پرداخت کند و اگر شرکت نمی‌کند هزینه‌ای بابت آن پرداخت نمی‌کند.

ثبت‌نام قطعی حدود ۶ میلیون دانش‌آموز ابتدایی

ایسنا: مدیرکل ارزیابی عملکرد وزارت آموزش و پرورش با بیان اینکه حدود ۹۰۰ هزار دانش‌آموز پایه اول ابتدایی ثبت‌نام قطعی شده‌اند، گفت: پنج میلیون و ۸۰۰ ثبت‌نام قطعی دانش‌آموزان در مقطع ابتدایی انجام شده و در هفته پیش‌رو این عدد کامل‌تر خواهد شد تا به ثبت‌نام بالای ۹۰ درصد برسیم. سید مجتبی هاشمی گفت: با توجه به همگرایی که در حوزه‌های مختلف وجود دارد با هماهنگی مدیران کل، جلسه‌ای برای کنترل شرایط اجرای پروژه مهر در سطح استان‌ها در دو بخش ثبت‌نام و ثبت و توزیع کتب درسی تشکیل شده است. وی با بیان اینکه در نشست‌های قبل، فعالیت پروژه مهر در سطح ملی، استانی و منطقه‌ای تبیین شده، افزود: در جلسات هرکدام از کارگروه‌ها به تناسب فعالیت‌ها و وظایفی که برعهده آنها گذاشته شده، با توجه به برنامه زمان‌بندی پروژه مهر، دستور جلسه‌ای برای آنان تعیین می‌شود. مدیرکل ارزیابی عملکرد وزارت آموزش و پرورش با بیان اینکه شرایط مهم تصویب و مسائلی به صورت دوسویه با استان‌ها به جمع‌بندی رسید، ادامه داد: مرتبط با ثبت‌نام دانش‌آموزان، مسائل در دو بخش حوزه ابتدایی و متوسطه بررسی شد، کلاس اول ابتدایی به دلیل شرایط خاص مورد بررسی دقیق‌تر قرار گرفت و تا امروز حدود ۹۰۰ هزار دانش‌آموز ثبت‌نام قطعی شدند؛ طبیعتا در فرصت باقی‌مانده بخش‌های دیگری هم اضافه خواهد شد و نگرانی خاصی در این زمینه وجود ندارد.

جدول ۴۸۱۸ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- از میوه‌های ترش‌مزه فصل بهار- از بزرگ‌ترین مساجد جهان در پاکستان ۲- پاره‌خط جهت‌دار- نوار تزئینی- هر فصل کتاب ۳- بالاپوش بلند مردان قدیم- سزاوار و درخور- حواری خائن ۴- نوعی مالیات- تاب و توان- از مقام‌های کلیسایی ۵- هواپیمای سریع- پیامبر خوش‌صدا- پدر شعر ایتالیا ۶- هال- دارای ارزش غذایی- روز گذشته ۷- پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی- رمانی نوشته فهیمه رحیمی- فیلمی ساخته مسعود کیمیایی ۸- انبازه- محیط- مأیوس ۹- سنگ سبز قیمتی- نوعی قابلمه برقی که غذا را در زمان نسبتا طولانی می‌پزد- خیزبرداشتن ۱۰- یادداشت- معبد یهودیان- روزانه ۱۱- راهنمایی‌کردن- درهم‌فشرده‌شده میان دست- زیر پا مانده ۱۲- بیماری کهنه و درازمدت- برکت سفره- نام اختصاری پلیس راهنمایی و رانندگی ۱۳- فنا- شهادت- روزی ۱۴- باد بهاری- سراینده صدای پای آب- تلاشگر ۱۵- پرسش از متهم و شاهدان یک جرم- نام طایفه‌ای بختیاری

عمودی:

۱- کافر و ملحد- قائم‌مقام- شغل رسمی ۲- دستیار- تابلویی از پل گوگن ۳- دیوار- سازوبرگ زین اسب- موافق ۴- نشانه جمع فارسی- فهم و شعور- فیلسوف آلمانی قرن هجدهم ۵- معروف و مشهور- درنگ- درخت تسبیح ۶- از نام‌های خداوند- ریسیدن- بنابراین ۷- قهرمان زن رمان سووشون- کالاهایی که از خارج به کشور آورده می‌شود- اعلان ۸- کاربلد- روز عرب- روشن و درخشان ۹- ژاله- دارای پیچ‌وخم- کلمه پرسش ۱۰- یک و یک- ممنوع- برادر رستم در شاهنامه ۱۱- نوشین، گوارا- گلبانگ نماز- فرشته‌های آسمانی ۱۲- از یاران امام حسین(ع)- زن زیبا- تعجب زنانه ۱۳- عارضه‌ای در دستگاه گوارش- پنج گنج نظامی- پایتخت لهستان ۱۴- از پیشگامان داستان‌نویسی نوین ایران و خالق بوف کور- مرتعش ۱۵- زیلوباف- لجباز- همراه چای

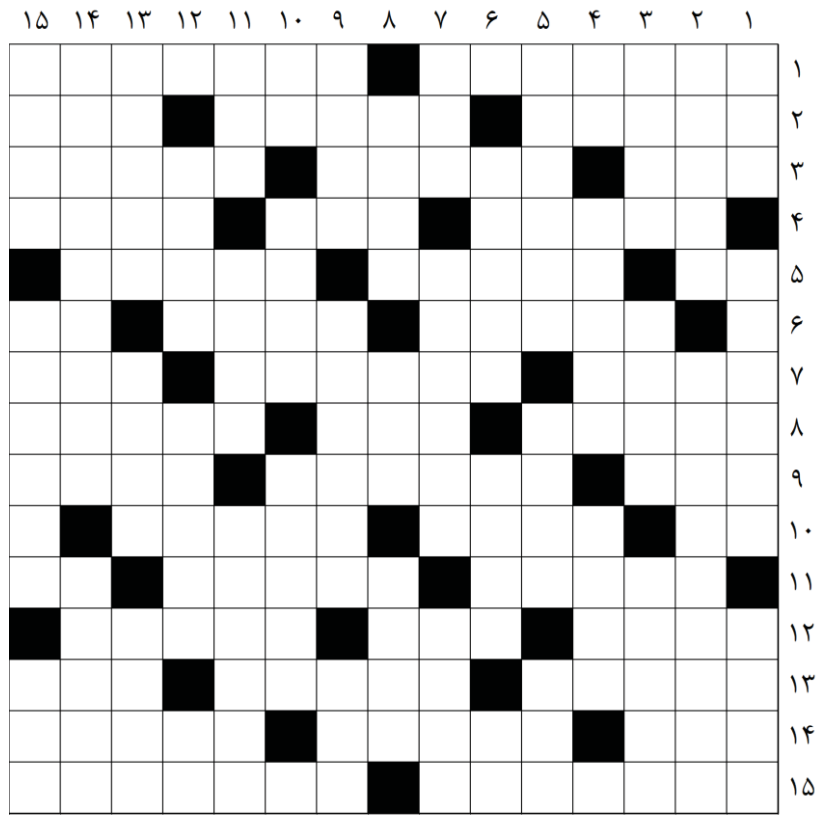

حل سودوکو ۳۸۱۳

۷	۵	۶	۸	۱	۴	۳	۲	۹
۴	۸	۲	۵	۹	۳	۶	۱	۷
۳	۹	۱	۲	۶	۷	۴	۵	۸
۲	۷	۴	۶	۸	۹	۵	۳	۱
۵	۳	۹	۷	۴	۱	۸	۶	۲
۱	۶	۸	۳	۵	۲	۷	۹	۴
۹	۱	۷	۴	۳	۵	۲	۸	۶
۸	۴	۳	۹	۲	۶	۱	۷	۵
۶	۲	۵	۱	۷	۸	۹	۴	۳

۱	۲	۴	۸	۵	۶	۳	۷	۹
۳	۹	۶	۲	۴	۷	۵	۸	۱
۵	۸	۷	۳	۹	۱	۴	۲	۶
۴	۳	۹	۱	۸	۲	۷	۶	۵
۶	۱	۲	۵	۷	۳	۸	۹	۴
۷	۵	۸	۴	۶	۹	۱	۳	۲
۸	۶	۵	۷	۲	۴	۹	۱	۳
۲	۴	۱	۹	۳	۸	۶	۵	۷
۹	۷	۳	۶	۱	۵	۲	۴	۸

حل جدول ۴۸۱۷

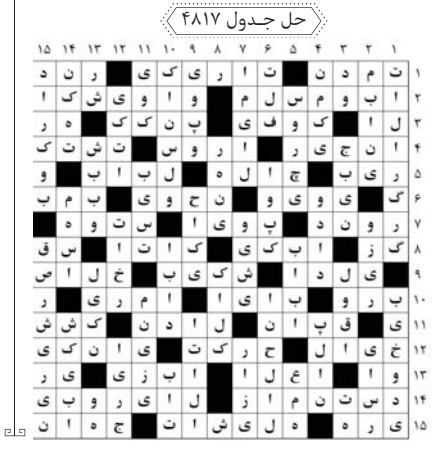

سودوکو سخت ۳۸۱۴

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

		۲			۸			
۸	۳	۷				۶		
				۱			۵	
۵					۶	۹		
	۷		۹		۱		۲	
		۴	۵					۸
	۲			۹				
		۹				۵	۸	۳
			۷			۲		

سودوکو ساده ۳۸۱۴

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۵				۳	۹			۷
								۶
۷		۸	۲	۱			۹	۳
	۹	۵			۴			
		۷		۹		۴		
			۷			۳	۸	
۹	۷			۵	۲	۶		۸
۲								
۶			۹	۸				۱